



قصه دارد دو شخصیت اصلی یعنی طلبه و همسرش را به درک دوباره‌ای از یکدیگر و زندگی برساند و در این راه هم به موفقیت می‌رسد.

یک گزارش واقعی، غیر منسجم

داریوش فرهنگ با فیلم یک گزارش واقعی سانس سوم را به خود اختصاص داده بود. فیلم قصه جلال افسر نظامی است که از سوی ساواک مامور می‌شود دوست نزدیک خود که از فعالان سیاسی است را دستگیر کند، اما او نمی‌تواند این کار را انجام دهد. چند سال بعد از انقلاب جلال رئیس قبلی ساواک را به قتل می‌رساند.

روند فیلمسازی داریوش فرهنگ هنوز معلوم نیست، او فیلمسازی اجتماعی است یا خانوادگی و حادثه‌ای و یا... یک گزارش واقعی هم از این منظر معلق میان یک ملودرام اجتماعی و سیاسی بدجوری دست و پامی زند و این آشفتگی در روایت هم دست از سر این فیلم برنداشته و شخصیت‌های جذابی را فراروی مخاطب قرار نداده است. به همین دلیل غیر منسجم است و در ارتباط با مخاطب بسیار الکن.

خاطره، تماشاگر را سرگرم می‌کند

سانس چهارم، فیلم خاطره به کارگردانی نادر طریقت را دیدیم. فیلم قصه یک نویسنده است که در عوالم خود سیر می‌کند. فیلم از ایده خوب و جذابی برخوردار است و با توجه کارگردانی روانش در اکران عمومی با اقبال موجه می‌شود.



خاطره به عنوان اولین فیلم نادر طریقت فیلمی است که می‌تواند تماشاگر را سرگرم کند.

مقلد شیطان، به شدت دیالوگ محور

مقلد شیطان ساخته افشین صادقی فیلم سانس بعدی است. قصه این فیلم درباره مردی است که فقط به فکر پول درآوردن است و با سوءاستفاده از زنان، دیگران را وارد یک بازی می‌کند و در این راه پای پلیس به قضایا باز می‌شود. آنچه که قبل از هر چیز درباره این فیلم به ذهنم می‌رسد

این است که مقلد شیطان به شدت دیالوگ محور است و زیاد با تصویر میانه خوبی ندارد و بیشتر به یک نمایشنامه رادیویی می‌ماند تا یک کار تصویری. ریتم قصه هم به شدت کند است و مخاطب را راغب به ادامه ماجراها نمی‌کند.

آتشکار ایده‌ای خوب

آتشکار ساخته محسن امیر یوسفی هم از جمله فیلم‌هایی است که سالها در محاق توقیف بوده است.

فیلم از ایده خوبی برخوردار است اما در روند ساخت به کاری ملال آور تبدیل شده است و در حد و اندازه‌های یک فیلم بلند سینمایی نیست.

قصه فیلم جریان واز کتومی یک کارگر ذوب آهن را روایت می‌کند که با داشتن چهار دختر، همسرش از او می‌خواهد واز کتومی کند.



فیلم با این قصه با انبوهی از شوخی‌ها و طنزهای کنایه آمیز و دوپهلوه ذهن مخاطب را بمباران می‌کند. تصویر طنز آمیزی که از آن دنیا، امیر یوسفی تصویر می‌کند آن هم از دید و تخیلات شخصیت اصلی، در نوع خود جالب توجه است. در یک جمله می‌توان گفت آتشکار فیلمی مفرح و شاد است.

سه شنبه ششم بهمین

عصر روز دهم، معلق و بدون فیلمنامه

عصر روز دهم به کارگردانی مجتبی راعی در اولین سانس روز سوم به نمایش درآمد. فیلمی که قرار بود رسول ملاقلی پور آن را به سرانجام برساند که...

عصر روز دهم جدا از هر چیز پایان ناموفق دارد. فیلم قصه مادری است که در زمان اشغال خرمشهر، کودک نوزادش به دست یک نظامی عراقی می‌افتد. حال سالها بعد از پایان جنگ، آنها در پی دختر هستند.

عصر روز دهم می‌توانست یک درام قوی و جذاب را شکل دهد اما در حال حاضر میان فضای داستانی و مستند معلق است. حضور مادر در حرم حضرت ابوالفضل (ع) در پایان می‌توانست بهترین پایان برای این فیلم باشد.



عصر روز دهم نه فیلمنامه‌ای دارد و نه رابطه علت و معلولی اتفاقها در آن به درستی برای مخاطب روشن می‌شود. از جمله پیدا شدن محسن محمود آن هم در کمترین زمان.

آل، خیلی ترسیدیم!!

آل ساخته بهرام بهرامیان فیلمی است که در ژانر وحشت سانس دوم روز سوم برای اهالی رسانه به نمایش درآمد.



آل قصه مردی است که برای انجام ماموریتی به ارمنستان می‌رود و مجبور می‌شود همسر باردارش را هم با خود همراه کند. اما مرد همیشه نگران است که برای همسر و فرزندش اتفاقی نیفتد و آل به آنها حمله نکند.

مهمترین مسأله‌ای که آل از آن ضربه خورده است، فیلمنامه آشفته و فاقد جذابیت آن است، هر چند فیلم از جذابیت‌های بصری قابل قبولی برخوردار است اما در روایت قصه‌اش دچار لکنت و مشکل است. آل در ژانر وحشت ساخته شده و قرار است مخاطب را بترساند، اما نمی‌تواند و گاه خنده را هم موجب می‌شود و همه اینها ناشی از فیلمنامه ضعیفش است.

فیلم‌های ژانر وحشت سراسر تعلیق، دلهره و فضایی پر رمز و راز دارد، اما در فیلم آل کمتر به این مسائل توجه شده است و گاه تماشاگر را هم کلافه می‌کند. فیلم مصداق این جمله است که ترکیبش خوب است، مرده شور تجزیه‌اش را ببرد.

پرسه در مه، ضعف فیلمنامه

پرسه در مه به کارگردانی بهرام توکلی قصه آهنگسازی است که در کما گذشته‌اش را مرور می‌کند.



فیلم با توجه به روند قصه و ساختاری که دارد، ظرفیت یک کار بلند سینمایی را ندارد و ریتم کند و آرام آن مؤید همین مطلب است. فیلم هر چه هست در نیمه اول است و نیمه دوم به شدت ملال آور می‌شود و این به دلیل آن است که فیلمنامه چیزی در چنته برای روایت ندارد. اما نباید از توانایی‌های توکلی غافل ماند.